

نقش پدیده سرریز در گذار رفتار مسئولانه محیط‌زیستی از حوزه خصوصی به حوزه عمومی

محمد عباس زاده^۱، لیلا علوی^{۲*}

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز

۲. دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه تبریز

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۲۷

چکیده

بررسی رفتار محیط‌زیستی و عوامل مؤثر بر آن از اساسی‌ترین موضوعات مورد توجه پژوهشگران در حوزه محیط‌زیست است. این مقاله مطالعه سرریز رفتار زیست‌محیطی را هدف قرار داده و رابطه خطی بین دلبستگی به خانه، رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در محیط خانه و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی بررسی شده است. جامعه آماری شهروندان ۱۵ الی ۷۵ سال شهر تبریز و حجم نمونه آماری ۴۵۶ نفر است که به شیوه پیمایش و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، با ابزار پرسشنامه بررسی شده‌اند. اعتبار ابزار با تکنیک تحلیل عاملی و محاسبه KMO و پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ بررسی شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که دلبستگی شهروندان به محیط خانه‌هایشان برابر ۸۵ درصد از مقیاس تعریف‌شده، میانگین نمرات رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در محیط خانه برابر ۷۷ درصد و در حوزه عمومی ۷۳ درصد از مقیاس تعریف شده است. یافته‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری گزارش می‌دهد که دلبستگی افراد به محیط خانه بر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی آنان در این محیط تأثیرگذار است؛ همین‌طور، افرادی که در محیط خانه خود رفتار محیط‌زیستی مسئولانه‌تری دارند، در محیط عمومی نیز مسئولانه رفتار می‌کنند.

کلیدواژه

رفتار مسئولانه محیط‌زیستی، دلبستگی مکانی، سرریز، وابستگی مکانی، هویت مکانی.

۱. سرآغاز

درد (NikRamli & Mohammad, 2012:1061).

پژوهشگران بر این باورند که رفتار مسئولانه محیط‌زیستی یکی از عناصر کلیدی در فرایند توسعه پایدار جوامع مدرن و در حال توسعه است (Salehi, 2008؛ علوی، ۱۳۹۴؛ صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱؛ ضیاپور و همکاران، ۱۳۹۱).

ریشه‌های رفتار انسانی بسیار متنوع و گسترده است. یکی از عوامل تعیین‌کننده و شکل‌دهنده رفتار در حوزه محیط‌زیست عامل مکان است. ترجیحات مکانی انسان‌ها نتایج اجتماعی خاصی در پی دارد که قابلیت بررسی علمی

نگاه مسئولانه به محیط‌زیست و توجه ویژه به مسائل محیط‌زیستی از نشانه‌های بیشتر جوامع قرن بیست‌ویکم است. صاحب‌نظران معتقدند کیفیت محیط‌زیست و کنترل مؤثر مسائل محیط‌زیستی کاملاً به الگوهای رفتاری انسان‌ها وابسته است. مسائل محیط‌زیستی متنوعی که امروزه با آن‌ها مواجهیم، مانند گرم‌شدن تدریجی زمین و تغییرات آب‌وهوایی، آلودگی هوا، کمبود آب، کاهش منابع طبیعی و نابودی تنوع اکوسیستمی در جهان ریشه در رفتار بشری

دارد. تأثیر عاطفی مکان‌هایی مانند خانه، محله و شهر روی فرد، موجب ارتباطی نمادین میان فرد و مکان می‌شود که بر نحوه نگرش و رفتار اجتماعی او مؤثر است. در این رابطه، مردم معانی احساسی یا عاطفی مشترکی^۱ را از نظر فرهنگی به فضای خاصی (مانند خانه) نسبت می‌دهند. این امر مبنایی برای درک افراد و گروه‌ها از روابطشان با محیط فراهم می‌سازد (Low & Altman, 1992).

اهمیت دل‌بستگی به مکان^۲ (در مقیاس خانه) از آن روست که نقش عمده‌ای در ایجاد و بالابردن سطح مسئولیت‌پذیری، همکاری و خودیاری ساکنان آن دارد و شیوه کارآمدی برای حل مسائل و بهبود شرایط زندگی ارائه می‌کند (Scannell & Gifford, 2010؛ امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰). مسائل مربوط به محیط‌زیست نیز از جمله مسائلی است که تحت تأثیر این دل‌بستگی قرار می‌گیرد. دل‌بستگی به خانه و احساس تعلق به آن در افراد انگیزه‌ای ایجاد می‌کند که به احیا و نوسازی همه‌جانبه محیط‌های خانگی بپردازند و رفتارهای مرتبط یا تأثیرگذار بر محیط خانه را با نگاهی مسئولانه شکل دهند؛ رفتارهایی مانند خرید، مصرف و بهره‌برداری از لوازم منزل و لوازم شخصی که دارای تأثیر محیط‌زیستی است (علوی، ۱۳۹۴). البته، به اعتقاد پژوهشگران، نگرش‌ها و رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی که در محدوده مکان‌های خاصی مانند خانه شکل می‌گیرد، تنها در آن محصور نمی‌ماند و به جنبه‌های دیگر زندگی شهروندان سرریز^۳ می‌شود (NikRamli et al., 2009). با این حال، برخی بررسی‌ها گزارش‌هایی داده‌اند از وجود همبستگی میان گرایش افراد به رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه‌های مختلف زندگی (حوزه‌های خصوصی زندگی مانند منزل مسکونی و حوزه‌های عمومی خارج از محدوده منزل مسکونی مانند محل کار). برخی دیگر نیز در یافتن چنین همبستگی‌ای ناکام مانده‌اند (Thogersen & Olander, 2003). انگیزه اساسی در این پژوهش، بررسی نحوه تأثیر دل‌بستگی افراد به خانه محل سکونتشان در شکل‌گیری رفتار مسئولانه محیط‌زیستی آنان

در چارچوب خانه (حوزه خصوصی) و نیز مطالعه امکان سرریز این رفتار مسئولانه به حوزه عمومی زندگی افراد است.

قلمروی پژوهش حاضر شهر تبریز است. گستردگی شهر تبریز، تراکم جمعیت، مصرف انبوه، تولید انبوه زباله و سبک زندگی گوناگون و ناپایدار شهروندان به علاوه وجود محدودیت‌های طبیعی، فرهنگی و ساختاری در ایجاد و شکل‌گیری سبک زندگی پایدار و کنش‌های مسئولانه محیط‌زیستی این شهر را به مورد مناسبی برای مطالعات جامعه‌شناختی محیط‌زیستی و شهرنشینی پایدار تبدیل کرده است. با توجه به مهاجرت‌های وسیع صورت گرفته به شهر تبریز از روستاها و شهرهای اطراف و رواج فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون در شهر و آثار آن بر رفتار شهروندان، انجام پژوهش حاضر با بررسی رفتار محیط‌زیستی شهروندان و نیز احتمال سرریز آن به حوزه‌های دیگر زندگی اجتماعی آنان، گامی نو در مسیر مطالعات جامعه‌شناسی محیط‌زیست است. بنابراین، انگیزه اساسی در این پژوهش، بررسی امکان سرریز رفتار مسئولانه محیط‌زیستی از حوزه خصوصی به حوزه عمومی با تأثیرپذیری از متغیرهایی چون دل‌بستگی مکانی است. اهداف این پژوهش را می‌توان به‌طور مختصر در سؤال کلی زیر مطرح کرد:

- آیا امکان سرریز رفتار مسئولانه محیط‌زیستی از حوزه خصوصی (خانه) به حوزه عمومی وجود دارد؟ در صورت مثبت بودن، نقش دل‌بستگی مکانی تا چه حدی است؟

۲. مبانی نظری پژوهش

اهمیت پژوهش در باب رفتار محیط‌زیستی و دغدغه محیط‌زیستی جدید موجب شد که جامعه‌شناسان نقش وسیع‌تر، متفاوت‌تر و خلاقانه‌تری برای علوم اجتماعی در مباحث محیط‌زیستی قائل شوند (ضیاءپور و همکاران، ۱۳۹۱). متون وسیعی با هدف تبیین رفتارها و نگرش‌های محیط‌زیستی وجود دارد که هر کدام بر عوامل تأثیرگذار

(Raymond et al., 2011). شواهد حاکی از آن است که کنش‌های پایدار در مکان با تقویت دلبستگی مکانی افراد افزایش و بهبود می‌یابد (برای مثال، Ramkissoon et al., 2013). Walker و Chapman (2003) به نقل از Ramkissoon و همکاران (2013)، دلبستگی مکانی را عامل پیش‌بینی‌کننده قوی برای تمایل افراد به جمع‌آوری زباله‌های دیگران در پارک‌ها می‌دانند. دلبستگی مکانی در مطالعه‌ای دیگر نیز رابطه مثبتی با رفتارهایی نظیر صرفه‌جویی داوطلبانه در استرالیا داشته است (Kelly & Hosking, 2008).

پژوهش حاضر نیز فرض را بر این می‌گیرد که دلبستگی افراد به مکان مسکونی (خانه) خود، به رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در محدوده خانه منجر می‌شود. در این پژوهش با عنوان رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی از آن یاد می‌شود. رفتار محیط‌زیستی در حوزه خصوصی^۴ زیرمجموعه‌هایی دارد، از جمله خرید کالاها و سرویس‌های مهم با تأثیرگذاری بیشتر در محیط‌زیست (مانند خرید اتومبیل، تأمین انرژی خانگی و مسافرت‌های تفریحی)، بهره‌برداری از کالاهای مهم خانگی (مانند سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی در منزل)، مصرف سبز (خرید محصولات بازیافتی یا غذاها و میوه‌های ارگانیک) و صرفه‌جویی در مصرف خانگی.

بررسی‌ها حاکی از آن است که نگرش‌ها و رفتارهای مثبت در محدوده مکان‌هایی خاص مانند مکان مسکونی افراد، در آن محصور نمی‌ماند و به جنبه‌های دیگر زندگی آن‌ها سرریز می‌شود. Thøgersen و Olander (2003) سه شرط لازم در فرایند سرریز رفتارهای مبتنی بر نگرش‌های مثبت محیط‌زیستی را این طور بیان می‌کنند: نخست، فرد آگاهانه و با تمایل قلبی به رفتار مسئولانه محیط‌زیستی اقدام کند. دوم، فرصت‌های رفتاری مشخصی در جهت کنش محیط‌زیستی وجود داشته باشد. سوم، فرد از مشابهنه‌های میان رفتارهای محیط‌زیستی در مکان‌های مختلف آگاهی داشته باشد. مراحل نظری شکل‌گیری پدیده

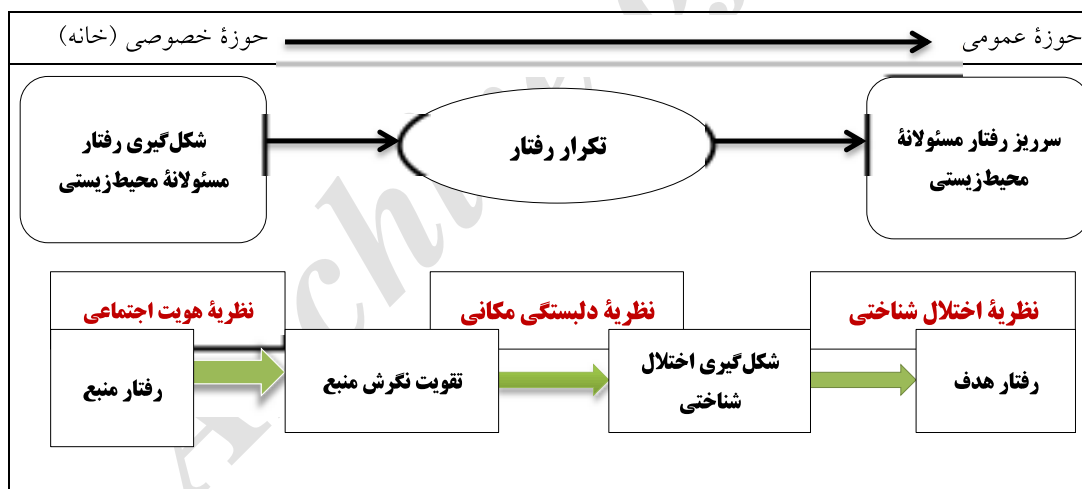
مختلفی تأکید کرده‌اند. این پژوهش بر آن است تا شاید برای نخستین بار در عوض تأکید بر رویکردهای ارزشی و نگرشی افراد به محیط‌زیست و تأثیرگذاری آن بر رفتار محیط‌زیستی، بر تأثیر عوامل محیطی و ارتباط افراد انسانی با محیط بر شکل‌گیری رفتار محیط‌زیستی متمرکز شود. در این راستا، از مفهوم دلبستگی به مکان بهره برده شده است. پیچیدگی نظری دلبستگی مکانی از یک سو با مفهوم دلبستگی ارتباط پیدا می‌کند که دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است؛ و از سوی دیگر، ناشی از این واقعیت است که احساسات انسانی درباره مکان‌ها از مکان‌هایی ناشی می‌شود که علاوه بر داشتن فضای صوری و ظاهر فیزیکی و رؤیت‌پذیر (همانند خیابان، کوچه، ساختمان و شبکه حمل‌ونقل)، دارای ابعاد بوم‌شناختی، اجتماعی و نمادین است (Scannell & Gifford, 2010; Morgan, 1992; Low & Altman, 2010). مکان در این مفهوم، گستره وسیعی را دربرمی‌گیرد، چرا که انسان‌ها می‌توانند به یک شیء، خانه، ساختمان، محله و یا مجموعه‌ای طبیعی جذب شوند و در این پژوهش مکان در مقیاس خانه (مکان مسکونی) مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، دلبستگی به مکان ارتباطی نمادین با مکان است که با دادن معانی عاطفی و حسی مشترک فرهنگی افراد به مکان خاصی از سرزمین شکل می‌گیرد و مبنای نحوه ادراک گروهی فرد از مکان و نحوه ارتباط وی با آن است (Low & Altman, 1992: 5). دلبستگی مکانی با دو بُعد وابستگی مکانی و هویت مکانی در نظر گرفته شده است (Williams & Vaske, 2003; Vaske & Korbin, 2001).

دلبستگی به مکان برخاسته از فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان-مکان و انسان-انسان در مکانی خاص است و با تأثیر متقابل احساسات، دانش، باورها و رفتارها با مکانی خاص سروکار دارد (Low & Altman, 1992؛ دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸). تعدادی از مطالعات، روابط معنادار میان دلبستگی مکانی افراد و رفتار محیط‌زیستی مثبت در مکان آنان را تأیید کرده‌اند (برای مثال، Hernandez et al., 2010؛

- مرحله دوم، اختلال شناختی و تحریک به سازگاری رفتاری. افراد نمی‌توانند ناسازگاری و ناهماهنگی را تحمل کنند و برای کاهش یا حذف آن حتماً اقدام خواهند کرد (NikRamli & Naja, 2012). حالت اختلال زمانی ایجاد می‌شود که فرد دارای دو نوع شناخت ناسازگار و ناهماهنگ باشد. مثالی از اختلال شناختی در دو نگرش زیر آمده است: «لامپ‌های کم‌مصرف پربازده و دارای طول عمر است.» و «لامپ‌های سنتی ارزان‌تر است.» در نهایت، یکی از نگرش‌های فوق منجر به عمل کنشگر خواهد شد. به علت نامطلوب بودن حالت اختلال شناختی، فرد برای کاهش این اختلال و رسیدن به هماهنگی بیشتر در نگرش و رفتار خود برانگیخته می‌شود.

سرریز بدین شرح است:

- مرحله نخست، ایجاد و تقویت نگرش مسئولانه محیط‌زیستی در مکان. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تکرار یک رفتار در محیطی خاص، منجر به شکل‌گیری نگرش حمایتی مربوط به آن رفتار خاص می‌شود، حتی اگر در ابتدای اقدام به آن رفتار، تمایل به انجام آن در فرد چندان قوی نباشد. در حوزه محیط‌زیست نیز همین امر مصداق دارد. تکرار رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی در گام‌های بعدی و در طول زمان رفتارهای پایدار و مسئولانه محیط‌زیستی را به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین، ثبات رفتار مسئولانه در محیط‌های خانگی، نتیجه حضور فیزیکی فرد در آن مکان و احساس تعلق به آن محیط است (NikRamli & Naja, 2012: 1064).



شکل ۱. مدل نظری پدیده سرریز رفتار مسئولانه محیط‌زیستی (NikRamli & Naja, 2012)

- مرحله سوم، سرریز رفتار مسئولانه محیط‌زیستی. پذیرش این نکته که رفتار محیط‌زیستی حالت مسری دارد و هنجارهای رفتاری مربوط به یک مکان به مکان‌های دیگری منتقل می‌شود، مرحله نهایی نظریه سرریز رفتاری است. فرصت‌های گرایش به رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی در برخی مکان‌ها بیشتر است. تکرار رفتار و شکل‌گیری اختلال شناختی که در

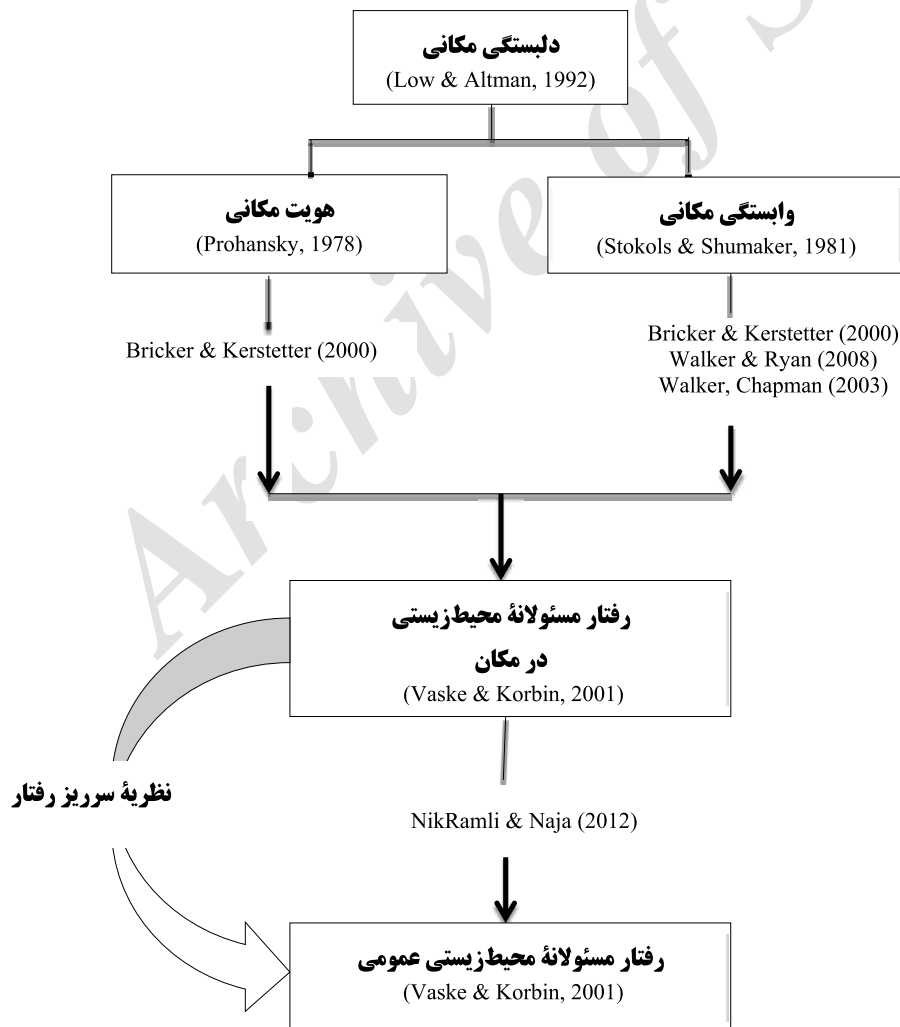
مرحله دوم توضیح دادیم، منجر به سرریز رفتار به بخش‌های دیگر زندگی فرد می‌شود. بنیادهای نظری پدیده سرریز، با ارتباط دادن آن به نظریه هویت اجتماعی و نظریه دلبستگی مکانی قوت می‌گیرد (NikRamli & Naja, 2012).

پژوهش حاضر قصد دارد با رویکردی جدید به تبیین رفتار مسئولانه محیط‌زیستی بپردازد. در این رویکرد جدید،

مرحله سوم، سرریز رفتار مسئولانه محیط‌زیستی. پذیرش این نکته که رفتار محیط‌زیستی حالت مسری دارد و هنجارهای رفتاری مربوط به یک مکان به مکان‌های دیگری منتقل می‌شود، مرحله نهایی نظریه سرریز رفتاری است. فرصت‌های گرایش به رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی در برخی مکان‌ها بیشتر است. تکرار رفتار و شکل‌گیری اختلال شناختی که در

و انسانی باشد و این ساده انگاری در علوم اجتماعی قابل پذیرش نیست. در این راستا، مفهوم پدیده سرریز رفتار محیط‌زیستی را وارد مدل نظری می‌کند (Vaske & Korbin, 2001). دل‌بستگی فرد به محیط کالبدی و اجتماعی خانه فرصتی است که شکل‌گیری رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی را تقویت می‌کند. تکرار رفتار و شکل‌گیری اختلال شناختی منجر به سرریز رفتار به بخش‌های دیگر زندگی فرد می‌شود. فرض اساسی در اینجا، اهمیت ویژه «خانه» برای فرد و دل‌بستگی او به این مکان است. مدل تحلیلی شکل ۲ بر اساس دو فرضیه اصلی مطرح در این پژوهش، طراحی شده است.

توجه ویژه‌ای به مفهوم دل‌بستگی مکانی و سرریز رفتار می‌شود. در بخشی از چارچوب نظری پژوهش از رویکرد Low و Altman (1992) در رابطه با مفهوم دل‌بستگی مکانی و ورود این متغیر به عنوان متغیری تأثیرگذار بر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در مدل تحلیلی پژوهش بهره برده شده است. نظریه حمایت‌کننده ایده نوآورانه این پژوهش علاوه بر نظریه Low و Altman (1992)، نظریه اختلال شناختی از حوزه روان‌شناسی است (NikRamli & Naja, 2012). ایده اصلی پژوهش حاضر این است که شاید تبیین شکل‌گیری رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی افراد صرفاً با تکیه بر نگرش‌ها و ارزش‌های محیط‌زیستی، و ساده‌انگاری بیش از حد روابط میان پدیده‌های اجتماعی



شکل ۲. مدل تحلیلی پژوهش

۳. پیشینه پژوهش

کردن مفهوم دلبستگی مکانی و پدیده سرریز رفتار محیط‌زیستی در میان مطالعات داخل کشور تازگی دارد. از میان آثار منتشر شده در زمینه موضوعات مورد بحث در این پژوهش، به مواردی به شرح جدول ۱ اشاره می‌کنیم.

زمینه پژوهش حاضر از جمله موضوعات جدید در بررسی‌های محیط‌زیستی است. بررسی‌های اخیر در رابطه با موضوع پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش حاضر علاوه بر نبودن جامعه آماری مورد بررسی، از نظر وارد

جدول ۱. خلاصه پیشینه تجربی پژوهش

محتوای مطرح شده در پژوهش	متغیر / متغیرهای مورد بررسی	سال	پژوهشگران
تبیین مدل دلبستگی به مکان و ابعاد آن	دلبستگی به مکان	۱۳۸۸	دانشپور و همکاران
تأکید بر رابطه میان محل سکونت، وضعیت تأهل، گروه‌های سنی، آگاهی محیط‌زیستی با رفتار محیط‌زیستی	رفتار محیط‌زیستی، آگاهی محیط‌زیستی، تحصیلات و جنسیت	۱۳۹۱	صالحی و امام قلی
محاسبه میزان ردپای بوم‌شناختی تأکید بر تأثیر سواد بوم‌شناختی بر ردپای بوم‌شناختی	رفتار محیط‌زیستی، سواد بوم‌شناختی، ردپای بوم‌شناختی	۱۳۹۲	یزدخواستی و همکاران
از میان تعیین‌کننده‌های اجتماعی و روان‌شناختی، به ترتیب، تمایل به رفتار مسئولانه محیط‌زیستی، نگرش مسئولانه محیط‌زیستی، هنجارهای اخلاقی فردی کنترل رفتار و آگاهی از مسئله، تبیین‌کننده رفتار مسئولانه محیط‌زیستی است.	عوامل اجتماعی و روان‌شناختی، رفتار مسئولانه محیط‌زیستی	۲۰۰۷	Bamberg & Moser
ارتباط میان دارا بودن تحصیلات آکادمیک و تمایل به بازیافت و نیز مالکیت خودروهای هیبریدی تأثیرگذاری بیشتر متغیرهای فرهنگی نسبت به متغیرهای اقتصادی بر رفتارهای محیط‌زیستی	رفتار محیط‌زیستی، متغیرهای فرهنگی، طبقه اجتماعی	۲۰۱۳	Laidley

۴. طرح فرضیه‌های پژوهش

در محدوده حوزه خصوصی او می‌شود.

- شکل‌گیری هویت فرد بر مبنای حوزه خصوصی (خانه)، موجب شکل‌گیری رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در محدوده حوزه خصوصی او می‌شود.
- تکرار رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی منجر به سرریز این نوع رفتاری به حوزه عمومی می‌شود.

در نهایت، با توجه به نظریه‌های مطرح در این بخش، فرضیه‌های مطرح در این پژوهش عبارت است از:

- دلبستگی فرد به حوزه خصوصی (خانه) خود، موجب شکل‌گیری رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در محدوده حوزه خصوصی او می‌شود.
- وابستگی فرد به حوزه خصوصی (خانه) خود، موجب شکل‌گیری رفتار مسئولانه محیط‌زیستی

۵. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به جمع‌آوری مستقیم اطلاعات از شهروندان شهر تبریز پرداخته است. شیوه آن پیمایش و با توجه به اهداف، از نوع کاربردی است. پژوهش از نظر زمانی مقطعی و از نظر وسعت پهنانگر است. جامعه آماری پژوهش تمام شهروندان بین ۱۵ تا ۷۵ سال است که در بازه زمانی انجام پژوهش در شهر تبریز سکونت دارند. بر اساس آخرین آمار موجود، جمعیت بالای ۱۵ سال شهر تبریز ۱,۱۰۶,۷۳۱ نفر است که از این تعداد ۵۶۵,۵۴۰ نفر مرد و ۵۴۱,۱۹۱ نفر زن است (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰).

نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای با تعیین جمعیت به تفکیک مناطق ده‌گانه شهر انجام شده است. انتخاب نمونه آماری با استفاده از رابطه $n = \frac{Nz^2\sigma^2}{(N-1)d^2+z^2\sigma^2}$ محاسبه می‌شود که در آن n حجم نمونه، N حجم جامعه آماری، Z ضریب مشخص‌کننده احتمال خطا در حدود اطمینان مورد بررسی، d خطای قابل قبول اندازه‌گیری در سطح اطمینان مورد بررسی و σ به انحراف معیار صفت مورد مطالعه در جامعه مورد بررسی اشاره دارد. با استناد به آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و با توجه به اینکه انحراف معیار مربوط به متغیر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در پیش‌آزمون انجام‌یافته ۰/۵۳ محاسبه شده است، با در نظر گرفتن اینکه مقدار Z در سطح اطمینان ۹۵ درصد در جدول مقادیر استاندارد آن برابر ۱/۹۶ و مقدار خطای قابل قبول در این سطح اطمینان ۰/۰۵ است، حجم نمونه قابل بررسی ۴۳۲ نفر محاسبه شد و با در نظر گرفتن ریزش پرسشنامه‌های ناقص، اطلاعات مربوط به ۴۴۲ نفر تجزیه و تحلیل شد.

سنجش متغیر وابسته رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی بر اساس پرسشنامه Stern (2000) و پرسشنامه Milfont (2007) و Dukkit (2010) انجام شده است. گویه‌های مربوط به شاخص رفتار محیط‌زیستی در حوزه عمومی با توجه به تعاریف مفهومی Stern (2000) عملیاتی شده است. گویه‌های مربوط به شاخص رفتار

محیط‌زیستی در حوزه خصوصی، با توجه به مطالعه Milfont (2007) و Dukkit (2010) ساخته شده است. پاسخ‌های مربوط به هر کدام از گویه‌ها روی طیف شش درجه‌ای لیکرت^۵ قرار گرفت و در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری شد.

در این پژوهش برای عملیاتی کردن سازه دل‌بستگی مکانی از دو شاخص وابستگی مکانی و هویت مکانی بهره برده شده است. سنجش مفهوم دل‌بستگی مکانی از گویه‌های مربوط به این شاخص‌ها در مطالعه Ramkissoon و همکاران (2013)، Kyle و همکاران (2004)، Williams و Vaske (2003) و Scannell و Gifford (2010) است. همین‌طور، پاسخ‌های مربوط به هر کدام از گویه‌ها روی طیف شش درجه‌ای لیکرت قرار دارد و در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری شده است.

برای تعیین اعتبار سازه‌ای و سنجش میزان پایایی و همبستگی درونی داده‌ها، پیش‌آزمونی با حجم نمونه ۴۰ نفری انجام شد. بررسی اعتبار پرسشنامه تحقیق با تفکیک و دسته‌بندی سؤال‌ها با تکنیک تحلیل عاملی بر اساس تجزیه به مؤلفه‌های اصلی انجام شد (جدول ۲). برای متغیر وابسته، رفتار محیط‌زیستی در حوزه عمومی، مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری^۶ برابر با ۰/۷۰۶ است و چون از ۰/۵ بزرگ‌تر است، نشان‌دهنده مناسب بودن عامل تعریف شده است. نتیجه آزمون بارتلت^۷ که فرضیه شناخته‌شده بودن ماتریس همبستگی را بررسی می‌کند (نوریان و همکاران، ۱۳۹۳)، نشان می‌دهد که تحلیل عاملی ممکن است برای داده‌ها مفید باشد و در اینجا معناداری $sig.=00.0$ به دست آمده است. میزان واریانس مشترک متغیر رفتار محیط‌زیستی در حوزه عمومی با گویه‌های مربوط در حدود ۵۸ درصد و باقی واریانس، مربوط به تغییراتی در متغیر وابسته است که به سادگی با گویه‌های مربوط به آن نمی‌توان آن را تبیین کرد. شاخص‌های اعتبار سازه‌ای (شاخص کفایت نمونه‌گیری، آزمون بارتلت) در دیگر متغیرها نیز در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. شاخص‌های اعتبار متغیرهای پژوهش

عامل	شاخص KMO	درصد تبیین واریانس عامل	معناداری آزمون بارتلت
رفتار محیط‌زیستی در حوزه عمومی	۰/۷۰۶	۵۷/۸	۰/۰۰
رفتار محیط‌زیستی در حوزه خصوصی	۰/۷۶	۶۵/۱۷	۰/۰۰
دلبستگی مکانی	۰/۹۳۸	۶۵/۵۴	۰/۰۰

برای بررسی پایایی ابزار پژوهش از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به شرط حذف گویه استفاده شده است. جدول ۳ مقدار این ضریب را در متغیر وابسته و دو متغیر مستقل نشان می‌دهد. متغیر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه عمومی دارای ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴۶، رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی دارای ضریب ۰/۷۰۲ و همین‌طور دلبستگی مکانی دارای ضریب ۰/۸۳ است.

جدول ۳. ضریب آلفای کرونباخ شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد گویه	ضریب پایایی	متغیر	تعداد گویه	ضریب پایایی
رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی	۶	۰/۷۰۲	وابستگی مکانی	۳	۰/۸۹۱
رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه عمومی	۳	۰/۷۴۶	هویت مکانی	۳	۰/۷۴
دلبستگی مکانی	۶	۰/۸۳	--	--	--

۶. یافته‌های پژوهش

از تعداد ۴۵۶ نفر نمونه آماری پژوهش حاضر، تعداد ۲۲۸ نفر از پاسخگویان را زن و ۲۲۶ نفر را مرد تشکیل می‌دهند. بنابراین، ۵۰ درصد از پاسخگویان زن و ۴۹/۵۶ درصد آن‌ها مرد هستند. میانگین سنی کل پاسخگویان ۳۳/۲۲ است. بیشترین تعداد پاسخگویان نیز ۱۹ ساله بودند.

۲.۶. آماره‌های توصیفی اندازه‌گیری متغیر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی و دلبستگی مکانی

برای سنجش متغیر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی خصوصی به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل پژوهش، از شش گویه در سطح رتبه‌ای و طیف شش گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است. مقدار نمره رفتار مسئولانه محیط‌زیستی خصوصی بر اساس حاصل میانگین گویه‌های مورد سنجش و در سطح فاصله‌ای بین ارقام ۱ تا ۶ محاسبه شده است. میانگین این متغیر برای شهروندان مورد مطالعه، ۴/۸۸ است که ۷۷/۰۳ درصد از مقیاس تعریف‌شده را به‌خود اختصاص می‌دهد و بیانگر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی متوسط به بالای شهروندان تهریزی در حوزه خصوصی زندگی‌شان است.

۱.۶. آماره‌های توصیفی رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی

سنجش رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی متغیر وابسته پژوهش بود که با سه گویه در سطح رتبه‌ای و با طیف شش گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری شده است. مقادیر این متغیر، با محاسبه میانگین گویه‌های مربوط به آن تعیین می‌شود. همان‌طور که در بخش روش‌شناسی بیان شد، مقادیر ممکن برای گویه‌ها بین ۱ و ۶ است. میانگین محاسبه‌شده برای متغیر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی ۴/۳۹ است که در حدود ۷۳ درصد از مقیاس

می‌شود. میانگین محاسبه‌شده برای متغیر دلبستگی شهروندان به مکان مسکونی (خانه) خود برابر ۵/۰۵ است که ۸۴/۱۶ درصد از حداکثر نمره در مقیاس تعریف‌شده (عدد ۶) است. برای اینکه میانگین‌های محاسبه‌شده در مورد متغیرها و مؤلفه‌های سازنده آن‌ها با یکدیگر قابل مقایسه باشد، نمرات میانگین برحسب درصد نیز محاسبه شده است.

اندازه‌گیری متغیر دلبستگی مکانی نیز با استفاده از شش گویه در سطح رتبه‌ای و طیف شش گزینه‌ای لیکرت انجام شده است. این گویه‌ها متعلق به شاخص‌های وابستگی مکانی و هویت مکانی است. نمره مخصوص شاخص‌ها، میانگین نمرات گویه‌های مربوط به آن شاخص‌هاست. مقدار متغیر دلبستگی مکانی نیز حاصل محاسبه میانگین شاخص‌های مربوط است که در سطح فاصله‌ای محاسبه

جدول ۴. آمارهای توصیفی مربوط به ابعاد و متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	میانگین (از نمره ۶)	انحراف معیار	دامنه تغییرات	نمره (بر حسب درصد)	کمینه	بیشینه	کشیدگی	چولگی
رفتار مسئولانه محیط‌زیستی حوزه عمومی	۴/۳۹	۰/۵۱	۲/۶۱	۷۳/۱۶	۳/۱۴	۵/۷۵	-۰/۵۲	-۰/۱۸
رفتار مسئولانه محیط‌زیستی حوزه خصوصی	۴/۸۸	۰/۴۶	۲/۴	۸۱/۳۳	۳/۱۲	۵/۵۲	-۰/۲۱۹	-۰/۳
وابستگی مکانی	۴/۹	۰/۴۲	۵	۸۱/۶۶	۱	۶	۰/۶۶	-۰/۸۹
هویت مکانی	۵/۲	۰/۴۶	۴	۸۶/۶۶	۲	۶	-۰/۲۵	-۰/۶۵
دلبستگی مکانی	۵/۰۵	۰/۵۸	۴/۱۶	۸۴/۱۶	۲/۱۷	۶	-۰/۳۸	-۰/۲۵۶

خصوصی و رفتار مسئولانه در حوزه عمومی برابر با ۰/۳۸۱ است که در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است. این بدان معناست که بین رفتار مسئولانه آن‌ها در محدوده خانه‌شان و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی آن‌ها رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارتی، هر چه میزان رفتار مسئولانه شهروندان در تبریز در حوزه خصوصی‌شان بیشتر شود، میزان رفتار مسئولانه محیط‌زیستی آن‌ها در حوزه عمومی نیز افزایش می‌یابد.

بررسی رابطه ابعاد دلبستگی مکانی با میزان رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه عمومی نشان می‌دهد که همبستگی معناداری بین وابستگی به محیط خانه و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی شهروندان وجود ندارد؛ اما میان هویت مکانی و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه عمومی شهروندان رابطه مثبت و معناداری برابر با ۰/۲۸۲ وجود دارد؛ به عبارتی، هر چه محیط خانه سهم بیشتری در شکل‌گیری هویت فرد داشته باشد، میزان رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی عمومی او نیز بیشتر می‌شود. مقادیر

همچنین نتایج حاکی از آن است که درصد میانگین نمره رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی که در این پژوهش مکان مسکونی افراد در نظر گرفته شده است تا حدود ۸ درصد بیش از درصد میانگین نمره رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی شهروندان است. ابعاد متغیر دلبستگی مکانی، هر دو، درصد نمرات بالای ۸۰ درصد را کسب کرد، با این حال، بُعد هویت مبتنی بر مکان مسکونی (خانه) در شهروندان امتیاز بالاتری نسبت به بُعد وابستگی شهروندان به مکان مسکونی داشته است.

۳.۶. تحلیل یافته‌ها

۱.۳.۶. بررسی رابطه دلبستگی مکانی و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی با رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی

برای آزمون رابطه بین دلبستگی مکانی و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی با متغیر وابسته از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که ضریب همبستگی محاسبه‌شده بین رفتار مسئولانه در حوزه

لازم به ذکر است که یافته‌های همبستگی نشان می‌دهد که میان دو متغیر مستقل پژوهش همبستگی نسبتاً قوی ۰/۴۰۴ دیده می‌شود.

این همبستگی‌ها در جدول ۵ آمده است. البته، همبستگی متغیر دل‌بستگی مکانی و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه عمومی ۰/۱۸۶ و در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

جدول ۵. آزمون همبستگی رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی و دل‌بستگی مکانی و مؤلفه‌های آن با متغیر وابسته

ضریب همبستگی			
متغیر وابسته	رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی	دل‌بستگی مکانی	وابستگی مکانی
هویت مکانی			
رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه عمومی	۰/۳۸۱**	۰/۱۸۶*	۰/۷۲/۰/۷۲ ^{ns}
ns و * و ** به ترتیب غیرمعنادار و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۹ درصد			

متغیرهای مستقل افزایش می‌یابد (کرلینجر، ۱۳۸۸). شاخص مورد توجه در این آزمون VIF است. مقادیر بالاتر از ۱۰ نشان از هم‌خطی بالاست که تحلیل رگرسیونی را مختل می‌کند. در این پژوهش، مقدار VIF، ۱/۰۰۲ و نشان از عدم هم‌خطی است.

شرط دیگر تحلیل رگرسیونی نیز کمی بودن داده‌های متغیرهای وارد شده در تحلیل است. در اینجا نیز متغیرها با اغمازی که در تحلیل داده‌های انسانی معمول است، در سطح فاصله‌ای در نظر گرفته می‌شود. با برقراری پیش‌شرط‌های تحلیل رگرسیون، تحلیل رگرسیونی انجام می‌شود.

در این پژوهش، برای تعیین سهم تأثیرگذاری نسبی متغیرهای مستقل بر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی از تحلیل رگرسیونی استفاده شد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد متغیرهای مورد آزمون با ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۳۹۵ با رفتار مسئولانه محیط‌زیستی رابطه دارد و در مجموع حدود ۱۵/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته پژوهش را تبیین می‌کند. آن بخش از واریانس متغیر وابسته که به وسیله متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیون تبیین نشده متأثر از متغیرهای دیگری است که در این مقاله بحث نشده است.

۲.۳.۶. مدل رگرسیونی تأثیر متغیرهای دل‌بستگی مکانی و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی بر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی

برای تعیین سهم و میزان تأثیر هر کدام از متغیرها در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته از تحلیل رگرسیونی استفاده می‌شود. تحلیل رگرسیونی دارای پیش‌فرض‌هایی است که باید قبل از تحلیل بررسی شود؛ از جمله، حذف مقادیر ناهم‌ساز. ناهم‌سازها مواردی با مقادیر نامعقول در میان داده‌هاست و در این پژوهش، مقادیر ناهم‌ساز با شاخص تفاوت ماهالانویس^۹ مشخص و از جریان تحلیل کنار گذاشته شد.

برای آزمون فرض نرمال بودن توزیع خطاها که یکی دیگر از پیش‌فرض‌های تحلیل رگرسیونی است، از آزمون دوربین-واتسون^۹ استفاده شده است. دامنه تغییرات آن بین ۴- و مقدار قابل قبول این شاخص مقادیر نزدیک عدد ۲ است. در این پژوهش مقدار محاسبه شده برای ضریب دوربین-واتسون برابر با ۲/۱ است که نشان می‌دهد خطاها یا باقی‌مانده‌ها از همدیگر مستقل است.

شدت هم‌خطی در رگرسیون نیز از جمله مواردی است که باید پیش از انجام تحلیل رگرسیونی آزمون شود. این شاخص نشان می‌دهد که چه مقداری از واریانس تبیین شده متغیر وابسته با ضرایب رگرسیونی به دلیل همبستگی

جدول ۶. نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره

ضریب همبستگی چندگانه	واریانس تبیین شده	R ² تصحیح شده	ضریب دوربین - واتسون
۰/۳۹۵	۰/۱۵۶	۰/۱۵۲	۲/۱

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس ضرایب رگرسیونی

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	معناداری*
رگرسیون	۲۳/۶۵۵	۲	۱۱/۸۲۷	۴۵/۶۶۴	۰/۰۰۱
باقی مانده	۱۰۹/۷۰۲	۴۲۴	۰/۲۵۹		
کل	۱۳۳/۳۵۷	۴۲۶			

* معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد

جدول ۸. ضرایب تبیین متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیونی

مدل	B استاندارد نشده	بتای استاندارد	t	معناداری
عرض از مبدأ	۱/۷۳	۰	۶/۹۹۲	*۰/۰۰۰
رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی	۰/۵۰۸	۰/۳۸۱	۸/۰۷۲	*۰/۰۰۰
دلبستگی مکانی	۰/۲۵۳	۰/۱۱۲	۱/۱۴۵	۰/۰۰۹

* معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد

بخش نظری ارائه شده است، برای آزمون این مدل نظری از مدلسازی معادلات ساختاری بهره برده شد. مدلسازی معادلات ساختاری تکنیکی در تحلیل داده‌هاست که به منظور ارزیابی روابط بین دو نوع متغیر (متغیرهای آشکار و پنهان) طراحی شده است. این تکنیک با نرم افزار لیزرل^{۱۰} انجام می‌گیرد. ویژگی بسیار ارزشمند مدل معادلات ساختاری تحلیل و پردازش هم‌زمان روابط بین متغیرهای مدل سنجش است (کفاشی، ۱۳۹۳). کاربرد دیگر مدلسازی معادلات ساختاری، ارزیابی برآزش مدل فرض شده پژوهش با داده‌های مشاهده شده است. در این رابطه، از شاخص‌های نیکویی برآزش^{۱۱} در ارزیابی برآزش مدل ارائه شده استفاده می‌شود.

در این بخش، متغیر وابسته و متغیرهای مستقل پژوهش همراه با شاخص‌ها و گویه‌های مربوط برای بررسی روابط میان آن‌ها وارد نرم‌افزار شد و تحلیل مربوط انجام گرفت.

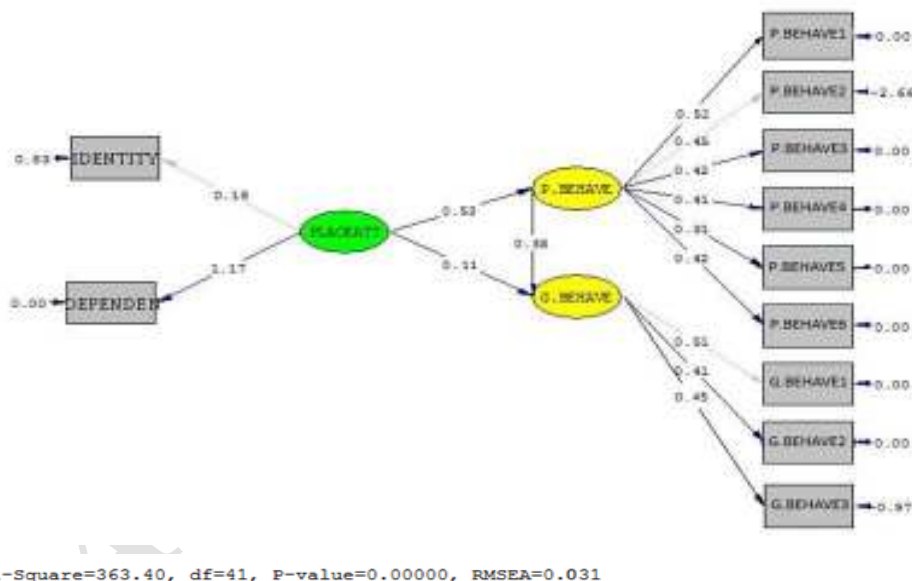
همان‌طور که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، نسبت F دلالت بر آن دارد که مدل رگرسیونی پژوهش حاضر مدل مناسبی برای تبیین متغیر وابسته است؛ به عبارتی، متغیرهای مستقل رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی و دلبستگی مکانی وارد شده در مدل رگرسیونی قادر است که تغییرات متغیر وابسته رفتار مسئولانه محیط‌زیستی را توضیح دهد. در جدول ۸ نیز مقدار ثابت (عرض از مبدأ) محاسبه شده را نشان می‌دهد. اگر تأثیر متغیرهای مستقل موجود کنترل شود، مقدار پایه رفتار مسئولانه محیط‌زیستی ۱/۷۳ است. در جدول ۸ نشان داده شده است که مدل رگرسیونی تأثیر مستقیم متغیر دلبستگی مکانی بر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه عمومی را تأیید نمی‌کند.

۳.۳.۶. مدلسازی معادلات ساختاری

در پژوهش حاضر، از آنجا که مدل نظری مشخصی در

در حوزه عمومی را تبیین می‌کند. این مدل ساختاری نشان می‌دهد که تأثیر مستقیم متغیر دلبستگی مکانی با ضریب مسیر ۰/۱۱ بر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی شهروندان در حوزه عمومی معنادار نیست. بنابراین، مدل خطی فرض شده در بخش نظری مقاله حاضر تأیید می‌شود؛ به عبارتی، دلبستگی شهروندان شهر تبریز به مکان مسکونی‌شان منجر به رفتار مسئولانه محیط‌زیستی آن‌ها در محدوده مکان مسکونی‌شان می‌شود و تکرار این گونه رفتارهای مسئولانه در حوزه خصوصی افراد، موجبات اقدام آن‌ها به رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در محیط‌های دیگر زندگی افراد (حوزه عمومی) را فراهم می‌آورد.

در شکل ۳، مدل اساسی پژوهش (مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری) آمده است. همان‌طور که دیده می‌شود، بارهای عاملی شاخص‌ها و گویه‌های مربوط به سه متغیر پنهان، بالاتر از ۰/۴ گزارش شده است. بنابراین، در مورد بخش اندازه‌گیری، شاخص‌ها و گویه‌های متغیرهای پنهان به‌طور نسبتاً مناسب روی آن‌ها بار شده است. در بخش ساختاری، متغیر دلبستگی مکانی با ضریب استاندارد مسیر ۰/۵۳ بر متغیر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی تأثیر می‌گذارد و متغیر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی با ضریب مسیر استاندارد ۰/۳۸ مقدار قابل قبول و معناداری از واریانس متغیر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی



شکل ۳. مدل اساسی پژوهش

نسبت به حجم نمونه حساسیت دارد و علاوه بر آن فرض می‌کند که مدل به‌طور کامل با جامعه آماری برازش دارد. بنابراین، شاخص‌های مهم دیگر ارائه شده در نرم‌افزار لیزرل نیز بررسی شد. شاخص‌های GFI و AGFI با مقادیر ۰/۹۲ و ۰/۹۰ حاکی از برازش قابل قبول مدل است. مقدار شاخص RMSEA نیز کمتر از ۰/۰۵ و نشان‌دهنده برازش امیدوارکننده مدل ساختاری ارائه شده است.

جدول ۹ شاخص‌های نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده‌های مشاهده شده را نشان می‌دهد. مقدار آماره کای اسکوتر برابر با ۳۶۳/۴ با درجه آزادی ۴۱ است. این آماره در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار شده است و نشان می‌دهد که مدل مورد نظر کفایت لازم را ندارد؛ البته آماردانان تأکید دارند که در استفاده از این آماره باید احتیاط لازم به‌کار گرفته شود، زیرا مقدار کای اسکوتر

جدول ۹. شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری

CFI	AGFI	GFI	RMSEA	P-value	Chi-Square	مدل ساختاری پژوهش
۰/۹۳	۰/۹	۰/۹۲	۰/۰۳۱	۰/۰۰	۳۶۳/۳۹۷	

شاخص‌های نیکویی برازش

۷. بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به این صورت سازماندهی شده است: بخش اول به مرور رویکردهای نظری و متون پژوهشی مربوط به دلبستگی مکانی و پدیده سرریز رفتار محیط‌زیستی می‌پردازد. سپس، فرضیه‌های پژوهش مطرح می‌شود که باید به صورت تجربی آزمون شود. بخشی نیز به معرفی روش‌شناسی پژوهش اختصاص داده شده است. یافته‌های پژوهش در بخش بعدی آمده است. در نهایت اینکه بحث و نتیجه‌گیری بر اساس یافته‌های تجربی و متون پژوهش انجام می‌شود.

رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه عمومی نشان می‌دهد. بنابراین، شهروندانی که اقدام به رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در محیط خانه‌شان می‌کنند، با احتمال بیشتری در محیط عمومی نیز رفتار مسئولانه از خود بروز می‌دهند. همبستگی میان دلبستگی به محیط خانه و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی نیز معنادار و مثبت است. مدلسازی معادلات ساختاری در پژوهش حاکی از تأثیر مستقیم دلبستگی مکانی بر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی و نیز تأثیر مستقیم رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه خصوصی بر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی است، اما دلبستگی مکانی بر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عمومی تأثیر مستقیم معناداری ندارد؛ بنابراین، مدل خطی فرض شده در ابتدای پژوهش تأیید می‌شود. دلبستگی شهروندان به خانه‌شان منجر به اقدام به رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی در محیط خانه‌شان می‌شود، تکرار این نوع رفتاری در حوزه خصوصی، تمایل آن‌ها به رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در محیط‌های عمومی را نیز افزایش می‌دهد. همان‌طور که در بخش نظری مقاله ذکر کردیم، الگوهای رفتاری انسان‌ها مهم‌ترین عامل ایجادکننده پایداری یا ناپایداری محیط‌زیستی در جوامع است. پژوهش حاضر سعی دارد تا با رویکرد و نگاهی نو، به تبیین رفتار مسئولانه محیط‌زیستی بپردازد و در این رویکرد، تمرکز ویژه‌ای به مفهومی به نام پدیده سرریز رفتار داشته است. فرض اساسی پژوهش حاضر آن است که رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی از حوزه خصوصی به حوزه عمومی در زندگی روزمره شهروندان سرریز می‌شود. عادات‌های

یافته‌ها حاکی از آن است که میزان رفتار مسئولانه محیط‌زیستی شهروندان در حوزه عمومی و خارج از خانه‌هایشان ۷۳ درصد از مقیاس تعریف‌شده است که میزان متوسط به بالا را نشان می‌دهد. این میزان برای رفتار مسئولانه در حوزه خصوصی (خانه) افراد ۷۷ درصد است که مقداری بیش از رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه عمومی است. در این پژوهش، میزان دلبستگی شهروندان شهر تبریز به خانه محل سکونتشان نیز محاسبه شد که مقدار آن در حدود ۸۵ درصد از مقیاس تعریف‌شده برای این متغیر است و نشان از دلبستگی بالای شهروندان به مکان مسکونی‌شان دارد. یادآوری می‌شود که منظور از رفتار محیط‌زیستی شهروندان در حوزه خصوصی، همانا رفتار آن‌ها در محیط خانه‌شان است. آمار توصیفی بیان می‌کند که بُعد هویت مبتنی بر محیط خانه (هویت مکانی) ۸۶/۶۶ درصد و بُعد وابستگی به محیط خانه (وابستگی مکانی) ۸۱/۶۶ درصد از مقیاس تعریف شده را کسب کرده است. بررسی رابطه میان متغیرها، همبستگی ۰/۳۸ را میان

رفتاری در حوزه خصوصی و به عبارتی تکرار رفتارها از جمله مواردی است که موجبات سرریز رفتاری را فراهم می‌کند. برای مثال، عادات رفتاری مربوط به بازیافت در خانه، در محیط‌های خارج از خانه نیز سرریز می‌شود. شهروندانی که در منزل خود اقدام به بازیافت زباله‌های تولیدشده توسط اعضای خانواده می‌کنند، با احتمال بیشتری به رفتارهای مربوط به مصرف محصولات ارگانیک و پای‌بندی به اصول بازیافت در خارج از محیط خانه تمایل نشان خواهند داد (Lanzini, 2013). بنابراین، عادات‌ها و منش‌های رفتاری در حوزه خصوصی عوامل تعیین‌کننده مهم رفتارها در حوزه عمومی است. البته، همان‌طور که در بخش نظری تأکید شد، پژوهشگران توضیح می‌دهند که پدیده سرریز رفتار محیط‌زیستی در اغلب موارد مختص رفتارهای آسان و کم‌هزینه بوده است و رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی پرهزینه و سخت‌تر افراد مجبور به انجام آن در حوزه خصوصی بوده‌اند کمتر در حوزه عمومی با اقبال مواجه شده است. یافته‌های پژوهش نیز همسو با مطالعات پیشین در این رابطه (Thøgersen & Olander, 2004; Vaske & Korbin, 2012; NikRamli & Naja, 2001) نشان داده است که سرریز رفتارهای محیط‌زیستی در بیشتر اوقات به رفتارهایی محدود می‌شود که انجام آن آسان‌تر است. بنابراین، نتایج این مطالعه، مباحث موجود در متون نظری را تقویت می‌کند و حاکی از آن است که رفتارهای محیط‌زیستی به یکدیگر متصل است؛ به این معنا که اقدام به رفتارهای آگاهانه محیط‌زیستی در یک حوزه تحت شرایط خاصی سرریز می‌شود و اثر مثبتی بر دیگر رفتارهای محیط‌زیستی در حوزه‌های متفاوت دارد. با آنکه شواهد نشان می‌دهد که افراد به احتمال بیشتری به سمت رفتارهای محیط‌زیستی بی‌دردسر تمایل نشان می‌دهند، اما وامل چنین سازوکاری هنوز مشخص نشده است (Lanzini, 2013).

مفروضات مربوط به مطالعه Diekmann و

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، بسیاری از مطالعات سرریز رفتاری مثبت را تأیید می‌کند، با این حال مطالعاتی نیز هست که به پدیده سرریز رفتاری منفی توجه و تأکید دارد و بیان می‌دارد که پدیده سرریز منفی زمانی رخ می‌دهد که افراد با انجام رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی در حوزه‌ای خاص، توجیهی برای اجتناب از این نوع رفتاری در حوزه‌های دیگر می‌یابند و تمایلی به اقدام به رفتار مسئولانه (به‌خصوص رفتارهای پرهزینه) در حوزه‌های دیگر ندارند (Diekmann & Preisendörfer, 2003). یافته‌های پژوهش همچنین، با نظریه «پا روی در»^{۱۳} Freedman و Fraser (۱۹۶۶) نیز سازگار است. این نظریه بر پایه دو آزمایش بنا شده است که در آن پژوهشگران از افراد خواستند که دو درخواست آن‌ها را عملی سازند. نخستین درخواست کوچک‌تر، کم‌هزینه‌تر و آسان‌تر از درخواست دوم بود. نتایج نشان داد افرادی که به درخواست کوچک‌تر جامه عمل می‌پوشانند با احتمال بیشتری در خواست بزرگ‌تر را نیز می‌پذیرند و عملی می‌کنند. چنین راهبردی در شرایط و موقعیت‌های دیگری نیز آزمون شد و اغلب اثر مثبت خود را نشان داد (Burger, 2004; Cialdini & Goldstein, 1999). از سوی دیگر، عمل مسئولانه‌ای که سازگار با نگرش مسئولانه فرد باشد،

رفتارهای خود را ارزیابی و سنجش می‌کنند و آن‌ها را با تیپ شخصیتی یا برخی صفات شخصیتی خود ناسازگار می‌بینند، تمایل به تصحیح رفتاری خواهند داشت.

یادداشت‌ها

1. shared emotional / affective meaning
2. place attachment
3. spillover
4. private-sphere environmentalism
۵. طیف شش درجه‌ای لیکرت با درجات کاملاً موافقم، موافقم، تاحدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم طراحی شده است.
6. KMO
7. Bartlett's test of Sphericity
8. Mahalanobis difference
9. Durbin-Watson
10. LISREL (Linear Structural Relationships)
11. goodness of fit indices
12. Campbell paradigm
13. foot- in- the- door

از اختلال شناختی جلوگیری و سختی اقدام به عمل را برای فرد راحت‌تر می‌کند. تمایل به رفتار سازگار باید به رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی منجر شود که همبستگی مثبت با یکدیگر دارد، مگر در موقعی که نخست رفتارهای جایگزین موجود باشد یا محدودیت‌های خاص (فردی یا محیطی) در جهت رفتار مربوط وجود داشته باشد. دوم، ناسازگاری‌هایی به وجود آید که نسبت به محدودیت‌های خارج از کنترل افراد، منجر به اختلال شناختی نشود (Lanzini, 2013). به‌بیمان برخی پژوهشگران و روان‌شناسان، بعضی ناسازگاری‌ها میان ارزش‌ها یا رفتارها بیش از بقیه آزردهنده است؛ بنابراین، تمایل بیشتری به ایجاد اختلال شناختی دارند. این ناسازگاری‌ها، محرک‌های قوی‌تری برای تلاش بیشتر در جهت سازگاری رفتارها با ارزش‌ها و نگرش‌هاست. ناسازگاری‌های آزردهنده عبارت است از عناصر مهم خودپنداره فرد مانند شایستگی و اخلاق و قابل‌اعتماد بودن را تهدید می‌کند؛ زمانی که افراد

منابع

- امیرکافی، م. فتحی، ش. ۱۳۹۰. بررسی عوامل مؤثر بر دلبستگی به محله مسکونی (مطالعه موردی: شهر کرمان). مجله مطالعات اجتماعی ایران. دوره ۵، شماره ۱، ص ۳۷-۱۱.
- دانشپور، ع. سپهری مقدم، م.، چرخچیان، م. ۱۳۸۸. تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی. شماره ۴۸، ص ۴۸-۳۷.
- صالحی، ص. امام‌قلی، ل. ۱۳۹۱. بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه موردی: استان کردستان). مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ۱۳، شماره ۴، ص ۹۰-۱۱۵.
- ضیاءپور، آ. کیانی‌پور، ن. نیکبخت، م. ۱۳۹۱. تحلیل جامعه‌شناختی محیط‌زیست و رفتار افراد نسبت به آن در مناطق روستایی و شهری استان کرمانشاه. مجله علمی- ترویجی آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار. سال ۱، شماره ۲، ص ۶۷-۵۵.
- علوی، ل. ۱۳۹۴. بررسی جامعه‌شناختی نقش مداخله‌گرایانه سازه دلبستگی مکانی در تأثیرگذاری عوامل اجتماعی و محیطی بر میزان همسویی نگرش و رفتار مسئولانه شهروندان در حوزه محیط‌زیست (مورد مطالعه: شهروندان شهر تبریز). رساله دکتری. گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.
- کرلینجر، پ. ۱۳۸۸. رگرسیون چندمتغیری در پژوهش رفتاری. تهران: انتشارات سمت.
- کفاشی، م. ۱۳۹۳. مدل معادلات ساختاری مؤلفه‌های سبک زندگی مؤثر بر هویت اجتماعی. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال ۶، شماره ۴، ص ۱۰۵-۱۲۰.

مرکز آمار ایران. ۱۳۹۰. سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰. دسترسی در مورخه (۱۳۹۴/۳/۵):

<https://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=1160>

نوریان، م.، افشانی، ع.، مهدوی، م. ۱۳۹۳. مرجع کاربردی SPSS 20. نشر بیشه. تهران.

یزدخواستی، ب.، حاجیلو، ف.، علیزاده اقدم، م.ب. ۱۳۹۲. بررسی رابطه سواد بوم‌شناختی با ردپای بوم‌شناختی (مورد مطالعه: شهروندان تبریز). مطالعات جامعه‌شناختی شهری. سال ۳، شماره ۷، ص ۷۷-۱۰۴.

Bamberg, S., Moser, G. 2007. Twenty years after Hines, Hungerford, and Tomera: A new meta-analysis of psycho-social determinants of pro-environmental behavior. *Journal of Environmental Psychology*. Vol. 27, No. 1, pp. 14-25.

Bricker, K.S., Kerstetter, D.L. 2000. Level of specialization and place attachment: An exploratory study of whitewater recreationists. *Leisure Sciences*. Vol. 22, pp. 233-257.

Burger, J.M. 1999. The foot-in-the-door compliance procedure: a multiple-process analysis and review. *Personality and Social Psychology Review*. Vol. 3, pp. 303-325.

Cialdini, R.B., Goldstein, N.J. 2004. Social influence: compliance and conformity. *Annual Review Psychology*. Vol. 55, pp. 591-621.

Diekmann, A., Preisendörfer, P. 1998. Environmental behavior: Discrepancies between aspirations and reality. *Rationality and Society*. Vol. 10, No. 1, pp. 79-102.

Freedman, J., Fraser, S. 1966. Compliance without pressure: The foot-in-the door technique. *Journal of Personality and Social Psychology*. Vol. 4, pp. 195-202.

Hernandez et al., 2010. The Role of Place Identity and Place Attachment in Breaking Environmental Protection Laws. *Journal of Environmental Psychology*. XXX, pp. 1-8.

Kaiser, F.G., Wilson, M. 2004. Environmental Knowledge and Conservation behavior: Exploring Prevalence and Structure in a Representative Sample. *Personality and Individual Differences*. Vol. 37, pp. 1-27.

Kelly, G., Hosking, K. 2008. Nonpermanent residents, place attachment, and "sea change" communities. *Environment and Behavior*. Vol. 40, No. 4, pp. 575-594.

Kyle, G., Mowen, A., Tarrant, M. 2004. Linking place preferences with place meaning: An examination of the relationship between place motivation and place attachment. *Journal of Environmental Psychology*. Vol. 24, pp. 439-454.

Laidley, M. Thomas. 2013. The influence of social class and cultural variables on environmental behaviors, Municipal-Level Evidence from Massachusetts. *Journal of Environment and Behavior*. Online access in August, Vol. 23, 2011.

Lanzini, P. 2013. Pro-environmental spillover in consumer behavior: existence and drivers. Venezia, UniversitàCa' Foscari Venezia.

Low, S.M., Altman, I. 1992. Place Attachment: A Conceptual Inquiry. In Irwin Altman and Setha, M. Low (Eds), *Place Attachment*, New York/ London: Plenum Press, pp. 1-12.

Morgan, P. 2010. Towards a developmental theory of place attachment. *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 30, pp. 11-22.

NikRamli, N.A.R., Kamsol, M., Kamruzaman, J. 2009. Environmental management system and community's spillover behavior. *Journal of Environmental Science and Engineering*, Vol. 3, No. 9, pp. 58-66.

NikRamli, N., Naja, M. 2012. A Discussion of Underlying Theories Explaining the Spillover of Environmentally Friendly Behavior Phenomenon. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, Vol. 50, pp. 1061-1072.

Milfont, T.L. 2007. Different approaches to the dimensionality of environmental Concern. Paper presented at the 31st Interamerican Congress of Psychology, Mexico City, Mexico.

Milfont, T.L., Dukkit, J. 2010. The environmental attitudes inventory: a valid and reliable measure to assess the structure of environmental attitudes. *Journal of environmental psychology*. Vol. 30, pp. 80-94.

Prohansky, H.M. 1978. The city and self-identity. *Environment and Behavior*, Vol. 10, pp. 147-169.

- Ramkissoon, H., Smith, L., Weiler, B. 2013. Testing the dimensionality of place attachment and its relationships with place satisfaction and pro- environmental behaviors: a structural equation modelling approach. *Tourism Management*. Vol. 36, pp. 552-566.
- Raymond, C., Brown, G., Robinson, G. 2011. The influence of place attachment and moral and normative concerns on the conservation of native vegetation: A test of two behavioral models. *Journal of Environmental Psychology*. Vol. 31, pp. 323-335.
- Salehi, S. 2008. A Study of Factors Underpinning Environmental Attitudes and Behaviors. The University of Leeds.
- Scannell, L., Gifford, R. 2010. The Relations between Natural and Civic Place Attachment and Pro-Environmental Behavior. *Journal of Environmental Psychology*. XXX, pp. 1-9.
- Stern, C.P. 2000. Toward a Coherent Theory of Environmentally Significant Behavior. *Journal of Social Issues*. Vol. 56, No. 3, pp. 407-424.
- Stokols, D., Shumaker, S.A. 1981. People in places: a transactional view of settings. InJ. Harvey (Ed.), *Cognition, social behavior, and the environment* Hillsdale, NJ: Erlbaum, pp. 441-448.
- Thogersen, J. Olander, F. 2003. Spillover of environment-friendly consumer behavior. *Journal of Environmental Psychology*. Vol. 23, pp. 225-236.
- Vaske, J., Kobrin, K. 2001. Place Attachment and Environmentally Responsible Behavior. *Journal of Environmental Education*. Vol. 32, No. 4, pp. 16-21.
- Walker, A.J., Ryan, R. 2008. Place attachment and landscape preservation in rural New England: a Maine case study. *Landscape and Urban Planning*. Vol. 86, No. 2, pp. 141-152.
- Walker, G.J., Chapman, R. 2003. Thinking like a park: The effects of sense of place, perspective-taking, and empathy on pro-environmental intentions. *Journal of Park and Recreation Administration*. Vol. 21, No. 4, pp. 71-86.
- Williams, D.R., Vaske, J.J. 2003. The measurement of place attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach, *Forest Science*. Vol. 49, No. 6, pp. 830-840.

Archive of SID